

بررسی مسائل و مشکلات زوار ایرانی در زیارت عتبات عالیات در فاصله سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۲۰ م / ۱۳۱۷-۱۳۴۱ ه.ق مطالعه موردی: سوء رفتار مأمورین عثمانی نسبت به زوار

مرتضی نورائی*

مینا معینی**

چکیده

در دوره قاجار بخشی از اتباع ایرانی حاضر در خاک عثمانی، زواری بودند که همه ساله راهی زیارت عتبات می شدند. این زائرین از هنگام حرکت تا بازگشت، با مشکلاتی روبرو می شدند که گاهی مانع رسیدن آنان به مقصد شده و حتی در مواردی به یک عامل بحران زا در روابط دو کشور تبدیل می گردید. یکی از مهم ترین مسائلی که زوار با آن مواجه می شدند، سخت گیری های مأمورین عثمانی نسبت به آنها بود.

اما چرا علی رغم توافق هایی که بین دو کشور صورت می گرفت، مأمورین عثمانی نسبت به زوار پیوسته سخت گیری می کردند؟ تعدیات آنها در چه زمینه هایی بود؟ واکنش دولت و مأموران ایران نسبت به آن تعدیات چه بود؟ این سخت گیری ها چه مشکلاتی برای زوار به همراه داشت؟

این مقاله بر آن است به روش کتابخانه ای و با تکیه بر اسناد، به شیوه توصیفی-تحلیلی به پرسش های بالا پاسخ دهد. به نظر می رسد که: مأموران عثمانی به دلیل تعصب مذهبی، کسب منافع مادی و با توجه به سهل انگاری دولت و مأموران ایرانی، به زوار انواع تعدیات را روا می داشتند.

کلیدواژه‌ها: زوار، عتبات، عثمانی، تعدیات، کاربرد.

* استاد تاریخ گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)،
mnmoeini89@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

۱. مقدمه

تا پیش از روی کار آمدن صفویان در ایران، که هنوز در وسعتی بین‌المللی، نخستین ایده‌های ملی‌گرایی با تکیه بر مرزهای جغرافیایی، مذهب، زبان، و غیره، مطرح نشده بود، بازدید شیعیان از اماکن مقدس مانند عتبات، حساسیت‌های سیاسی - اعتقادی، به دوره معاصر را نداشت.

رسمی شدن مذهب تشیع در ایران عصر صفوی علاوه بر ایجاد هویت ارضی و سیاسی برای ایران، به مهم‌ترین عامل در تبلیغات مذهبی و ایدئولوژی سیاسی صفویه تبدیل شد و تمایز آشکاری میان دولت صفوی و امپراتوری عثمانی سنی مذهب به وجود آورد. این تبلیغات که نشانگر مظلومیت حضرت علی(ع) و خاندانش، و ظلم و اجحافات صورت گرفته در حق خاندان پیامبر(ص) بود، زمینه جذب بیشتر مردم ایران به مناسک و سنت‌های شیعی به ویژه علاقمندی به سفر عتبات شد. به همین دلیل و با توجه به تحول صورت گرفته، زیارت عتبات عالیات در کنار زیارت حرمین شریفین برای ایرانیان مسلمان اهمیت زیادی یافت و به چالشی مهم میان ایران و همسایه غربی آن مبدل شد.

با سپری شدن دوران حکومت صفویه و روی کار آمدن دولت‌های افشار و زند و قاجار، این مسئله، تداومی تاریخی یافت. به این معنی که در تمامی این دوره‌ها، چالش مذاکره با دولت عثمانی بر سر چگونگی بازدید اتباع ایرانی از بقاع متبرکه، در درون خاک این دولت، به یکی از پایه‌های ثابت و همیشگی در مذاکرات میان این دو دولت تبدیل گردید.

با روی کار آمدن دولت مشروطه در ایران و تلاش برای بازتعریف مجدد مفاهیم و مؤلفه‌های حکومت ملی و تداوم اختلافات و مذاکرات با دولت عثمانی بر سر مرزهای دو کشور، مسئله زیارت بقاع متبرکه برای اتباع ایرانی نیز وارد مرحله جدیدی شد. این مرحله بیش از هر دوره دیگری، تحت تاثیر تحولات بین‌المللی ناشی از جنگ جهان اول بود. بنابراین نه تنها حساسیت‌هایی تازه بر سر راه اتباع ایرانی ایجاد شد، بلکه در دوره مورد بحث، زیارت شیعیان ایران در خاک عثمانی، با ایجاد موانعی که مأموران ایران و عثمانی در ایجاد آن نیز سهیم بودند، مواجه شد. در چنین بستری بود که زیارت عتبات در خاک عثمانی می‌توانست تبعات سیاسی داشته باشد. این مسئله از منظر اقتصادی و اهمیت درآمدهای گمرکی نیز در کانون توجهات قرار گرفت و هم از منظر کیفیت زیارت اتباع

ایرانی که تهدیداتی گوناگون به صورت بالقوه و بالفعل در اطراف آن وجود داشت، به یک عامل بحران زا در روابط تبدیل گردید.

زوار ایرانی به هنگام سفر به خاک عراق و زیارت اماکن مقدس با مشکلات متعددی از جمله کم آبی، صعب العبور بودن راه ها، بدی آب و هوا، شیوع بیماری های مسری و... روبرو می شدند. فارغ از مشکلات طبیعی، آنچه زوار را بیش از اندازه آزرده می ساخت، گرفتاری ها و اذیت و آزارهایی بود که از جانب مأمورین دولت عثمانی به زوار وارد می شد. بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش است که این تعدیات و چرایی آن را مورد بررسی قرار دهد. در این پژوهش منظور از مأمورین عثمانی کسانی هستند که از سوی دولت وقت در مرزها، گمرکات، قرنطینه ها یا به طور کلی ایستگاه های بازرسی مأمور کنترل و تفتیش زوار بودند. همچنین کسانی که مأمور حراست از راه ها و امنیت شهرها بودند.

در مورد مشکلات زوار ایرانی در خاک عثمانی تاکنون مطالبی نوشته شده است. به طور مثال داریوش رحمانیان و ثریا شهبوساری در مقاله ای تحت عنوان «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار مطالعه موردی: زوار و حمل جنائز» به این موضوع پرداخته است. اما این مقاله تنها یکی از مشکلات را مورد مطالعه قرار داده و موضوع تعدیات مأمورین عثمانی را در همه ابعاد و اقسام آن پوشش نداده است. از این رو مقاله حاضر کوشیده تا موضوع تعدیات مأمورین عثمانی در خاک عراق را با تکیه بر اسناد منتشر نشده داخلی همچون اسناد «مرکز سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران» و «کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی»؛ و اسناد منتشر شده نظیر «گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی» مورد ارزیابی قرار دهد.

۲. اهمیت زیارت عتبات عالیات برای ایرانیان

پس از تحولاتی که در جامعه ی ایرانی، از جمله تشکیل سلسله صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع، شکل گرفت، اهمیت زیارت عتبات عالیات فزونی یافت. بنابراین آمار و ارقام نسبتاً شگفت انگیز ارائه شده از تعداد اتباع ایرانی که در این دوره خواستار حضور در خاک عثمانی به منظور زیارت بقاع متبرک بودند، چندان عجیب و غیرقابل باور نیست. به عنوان نمونه، حضور پنجاه هزار زائر ایرانی، به سال ۱۳۴۱ه.ق/ ۱۹۲۲م در منطقه (فراهانی، ۱۳۸۵: ۲/ ۵۷۲)، یا عبور روزانه ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر زائر از مرز در سال ۱۳۱۸ه.ق/ ۱۹۰۰م (موجانی، ۱۳۸۹: ۳۳۰)،

گواه این مدعاست. به طور کلی در دوره قاجاریه میانگین تعداد افرادی که سالانه از ایران به زیارت عتبات عالیات می‌رفتند یک صد هزار نفر بود (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۹۷).

دلیل دیگر توجه ایرانیان به عتبات، حضور علمای ایرانی بویژه مجتهدان و مراجع بزرگ در این منطقه بود. این‌ها که رهبران مذهبی و غیررسمی شیعیان عراق و ایران بودند، نفوذ و قدرتشان در فضای سیاسی ایران به حدی بود که رهبری بسیاری از اعتراضات علیه حکومت وقت با صدور و نشر فتوای آنها صورت می‌گرفت. شیعیان چه در ایران و چه در عتبات، از حمایت‌های مادی و معنوی آنها در برابر حاکمان یا غیرشیعیان برخوردار می‌شدند (عربخانی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

از طرفی دیگر، ایرانیان برای خود حقی تاریخی در مالکیت این سرزمین قائل بودند. پس از پایان جنگ جهانی اول که عراق عرب از عثمانی جدا و در اختیار انگلیس قرار گرفت، بسیاری از صاحب‌منصبان و علمای ایرانی به این امر اعتراض کردند و ضمن بیان حقوق تاریخی ایران بر اماکن مقدس، خواستار الحاق سرزمین عراق به خاک ایران شده و پیشنهاد کردند هیأتی بین‌المللی جهت همه‌پرسی از اهالی عراق در این موضوع تعیین شود. منتخب‌الدوله؛ کنسول ایران در بغداد در نامه‌ای به وزارت امور خارجه ضمن اشاره به موارد فوق این‌گونه عنوان کرد:

دولت علیّه در عراق عرب حقوق تاریخی دارد و به علاوه، اماکن مقدسه در اینجا واقع و تمام آقایان علماء اعلام و جمع کثیری اتباع دولت علیّه هم در اینجا اقامت دارند و دائماً از زوّار و مسافرین ایرانی به این خاک، آمد و رفت می‌نمایند. در حقیقت حقوق دولت علیّه در این خاک از همه بیشتر و پیشتر است و در واقع دولت علیّه حق تملک و تصرف این خاک را دارد (فراهانی، ۱۳۸۵: ۲/ ۲۲۱).

شیعیان ایران علاوه بر زیارت و توجه به این اماکن مقدس، تلاش زیادی برای حفظ و حراست از آنها داشتند و بسیاری از آنها برای اثبات علاقه و ارادت خود به خاندان رسالت، با وقف نمودن مال خود، اقدام به حفظ و تعمیر بقاع متبرکه می‌نمودند. از جمله این اقدامات در این دوره می‌توان به اهتمام در تعمیر ایوان صحن امام جواد(ع) (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵/ ۵۷) یا نصب ضریح برای ائمه بقیع «سلام الله علیهم» (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵/ ۶۵) اشاره کرد. در مورد اخیر در سال ۱۳۱۹ه.ق/ ۱۹۰۲م یک دستگاه ضریح از طرف امین‌السلطنه از وزرای دولت قاجار برای قبور ائمه اطهار بقیع(ع) تقدیم شد.

بنابراین، عتبات عالیات در باور ایرانیان مکانی مقدس شمرده می شد و زیارت آنجا یکی از بزرگترین افتخارات آنان به شمار می آمد. به همین خاطر سختی های مسیر را به جان می خریدند و تلاش می نمودند تا در طول عمر خود حداقل یک بار به این مناطق سفر و اماکن مقدس آن را زیارت کنند. این سفر خالی از مشکل نبود. عدم امنیت، اغتشاش و هرج و مرج در مسیرها؛ کم آبی و شرایط بد آب و هوایی نظیر گرمای شدید، هوای مرطوب و عفونی، سرمای زمستان، طوفان و حتی وقوع سیل؛ بیماری و حتی مرگ مسافران به دلیل شرایط نامناسب؛ قرنطینه های بین راه؛ ندادن تذکره به زوار یا نداشتن تمبر یا امضاء نشدن تذکره از جمله دشواری هایی بود که زوار پیوسته با آن روبرو می شدند.

۳. تعدیات و سوء رفتار مأمورین عثمانی

علاوه بر مشکلات ذکر شده، آنچه اوضاع را برای زوار سخت تر و ناگوارتر می ساخت، تعدیات و بی قانونی ها و سخت گیری های نابجایی بود که مأمورین دولت عثمانی نسبت به زائرین ایرانی به دلایل مختلف روا می داشتند. غارت زوار به بهانه های مختلف، تفتیش های مکرر و غیرقانونی، کتک زدن و حتی به قتل رساندن زوار از جمله سوءرفتارهای اعمال شده از سوی مأمورین حکومت عثمانی بود که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

- غارت زوار و گرفتن وجوه به بهانه های مختلف

از زمانی که زوار به قصد سفر راهی عتبات می شدند تا زمان بازگشت به خانه و کاشانه خود، مخارج زیادی را عهده دار می شدند که بیشتر آنها توسط مأمورین عثمانی و به صورت غیرقانونی و ناعادلانه اخذ می شد. عمال و مأمورین عثمانی به شیوه های مختلف از زوار پول می گرفتند. یکی از این موارد، پول های نابجا و مبالغ زیادی بود که بابت گمرک از زوار مطالبه می نمودند. در واقع بیشتر اوقات مأموران عثمانی، هر مقدار که تمایل داشتند از زائران، گمرک دریافت می کردند. بهترین توصیف در این خصوص را علی اکبر وقایع نگار کردستانی ارائه داده است:

در این رفت و برگشتن زوار به عتبات، مباشرین دولت عثمانی در کمال بی انصافی با آنها حرکت و رفتار می کنند پنجاه و چهار نفر به امضای باش شهیندر عثمانی از هر یک نفر که تذکره به او داده می شود یازده هزار که یک تومان و یک هزار باشد دریافت می نماید و از

این قبیل پولها به اسامی مختلف بسیار از آن‌ها می‌گیرند اگر شرح ایذاء و آزار و سختگیری مباشرین و مأمورین عثمانی را به رشته تحریر درآورم کوه به زبان و صدا درآید. همین قدر می‌نویسم که بدبختی و ابتدال اهالی ایران در این مسافرت به علاوه رفتن جان و مال بیش از اندازه تقریر و تحریر است و این مطلب چاره‌پذیر هم نمی‌شود نه خدا رحمی به مباشرین و کارگزاران دولت عثمانی می‌دهد که دست از این بی‌انصافی و حالت وحشیانه نسبت به زوار و اماکن مشرفه بردارند و نه غیرتی به اهالی ایران عطا می‌فرماید که ترک این مسافرت را نماید و به اعتقاد نگارنده بهشت جاوید این ابتدال به چند روز مسافرت نمی‌ارزد (وقایع نگار کردستانی، ۱۲۸۴: ۳۲۲-۳۲۱).

در سال‌های مورد بحث چنین روندی کماکان به شیوه‌های مختلف ادامه داشت. به عنوان نمونه، زواری که در دسته‌های سی نفر یا چهل نفری به زیارت می‌رفتند، در هنگام ورود به خاک عثمانی، اشیائی را که اجازه بردن آنها را به آن سوی مرز نداشتند تحویل می‌دادند. در عوض، به هر سی نفر یک کاغذ یا در اصطلاح یک «علم خیر» می‌دادند تا به واسطه آن در بازگشت بتوانند وسایل خود را پس بگیرند. اما همه این سی نفر در یک زمان مراجعت نمی‌کردند. چهار پنج نفر بازمی‌گشتند و به واسطه آن علم، اموال خود را می‌گرفتند. سایرین که در روزهای بعد مراجعه می‌کردند چون کاغذی در دست نداشتند، از تک‌تک آنها گمرک مطالبه می‌شد. یا اینکه، اگر کسی از زوار در خاک عثمانی اسبی خریداری می‌کرد در هنگام بازگشت مجبور به پرداخت پنج لیره^۱ گمرک بود. در خانقین نیز از اسب و شتر زوار ایرانی گمرک گرفته می‌شد (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۹۵ و ۶۹).

چنین سخت‌گیری‌هایی که در حق زوار ایرانی می‌شد می‌توانست سبب کاهش یا قطع تردد آنها به آن ناحیه گردد. سفارت ایران در استامبول با اشاره به این بی‌عدالتی‌ها و ذکر این نکته که «معیشت و گذران تمام عراق عرب بسته به وجود زوار ایرانی است»، از حکومت عثمانی می‌خواهد که جلوی این قبیل اجحافات را بگیرد و برای نمونه از قیمت اصلی اسب‌ها فقط صدی یک، رسم گمرک بگیرند (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۹۶-۹۵).

مورد دیگر، گرفتن وجه از جنازه‌هایی بود که برای دفن به عتبات عالیات برده می‌شد. با اینکه جنازه در ایستگاه اول معاینه و مهر و موم می‌شد و وجه مربوط به آن دریافت می‌گردید، اما در ایستگاه‌های بعدی دوباره به طور غیرقانونی لاک و مهر آن را می‌شکستند و پس از بررسی، مبلغی را اخذ می‌کردند. در این رابطه، در نامه‌ای که کنسولگری ایران در بغداد به وزارت امور خارجه نوشته، از دریافت مالیات‌های مکرر از زوار و صاحبان جنازه به

بهبان‌های مختلف شکایت کرده و از سفیر ایران در استانبول خواسته که با کارگزاران دولت عثمانی مذاکره شود تا جلوی این بدعت را بگیرند:

... باینکه جناز در کرمانشاهان به مهر طیب صحیحه عثمانی می رسید و بیست و یک قران هم پول می دهند. مجدداً جناز را در خانقین باز نموده و در کمال بی ادبی و بی احترامی مهر و لاک طیب صحیحه کرمانشاهان را می شکنند و هر جنازه بیست و پنج هزار پول می گیرند. ثانیاً مهر و لاک می نمایند. همین طور دم دروازه کربلا چنین زحمت و ضروری می دهند و بیست و پنج هزار دیگر می گیرند. (استادوخ، ۱۳۱۸ق: کارتن ۱ پرونده ۸)

مورد دیگر، گرفتن وجه برای دفن جنازه‌ها توسط عثمانی‌ها بود. بدین ترتیب که اگر اشخاصی در شهرهای کاظمین، کربلا، نجف، سامره و سایر ولایات وفات می نمودند در صورتی که در همان شهر مدفون می شدند، از هر جنازه پنجاه قروش^۲ می گرفتند. این مسئله اغلب مابین کارپردازی و مأمورین، محل نزاع و اختلاف بود (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵/۱۱۷). هزینه‌های کفن و دفن و قیمت بالای زمین از هزینه‌های دیگری بود که باید به دولت عثمانی پرداخته می شد. قیمت قبرها و مبالغی که جهت تدفین از صاحبان اجساد گرفته می شد، بر اساس شهرهای عتبات و جایگاه موجود در آن شهر تعیین می شد. به گونه‌ای که قیمت قبرها در نجف و کربلا متفاوت بود. به طور مثال، دفن جنازه در رواق حرم حضرت امام علی(ع) در نجف اشرف ۵۰ هزار قروش طلا بود. گاهی اوقات نیز حکام شهرهای عتبات عالیات از دولت ایران عوارضی جهت تدفین جناز دریافت می کردند. مثلاً حاکم شهر نجف برای اجازه تدفین اجساد ایرانی در قبرستان‌های این شهر پانصد تومان از دولت ایران دریافت می کرد تا مجوز لازم را صادر کند (رحمانیان و شهسواری، ۱۳۹۱: ۱۶).

- بی توجهی مأمورین به حفظ امنیت راه‌ها

زائرین که اکثراً سواره و با قافله‌ها مسافرت می کردند در مسیرهای منطقه عراق عرب از حمله دزدها در امان نبودند. یکی از این راه‌ها که هیچ‌گاه از امنیت کامل برخوردار نبود، راه خانقین به نجف اشرف بود. مأمورین موظف به مقابله با دزدان و حفظ امنیت جاده‌ها بودند، اما در بسیاری موارد از انجام آن سر باز می زدند و دست دزدان را در تعرض به کاروان‌های زوار باز می گذاشتند.

در نامه کنسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه به تاریخ ۷ شعبان ۱۳۲۱/۲۹ اکتبر ۱۹۰۳م از عدم امنیت این راه و هرج و مرج، اغتشاش و ناامنی بوجود آمده در عراق عرب

به وضوح انتقاد شده است. بنا بر نقل این نامه، مأمورین «اداره ضابطه» که وظیفه حفظ راه‌ها را داشتند به احکام و دستورات صادر شده اعتنایی نمی‌کردند و با عشایر عرب دزد از در دوستی درآمده بودند. در نتیجه دزدان با اطمینان کامل مشغول تاراج و غارت قافله‌ها می‌شدند. وقتی خبر این غارت‌ها به کارپردازی ایران می‌رسید، کارپرداز طی نامه‌ای مراتب را به «رئیس عسکریه» گزارش می‌داد. رئیس مربوطه نیز دستوری به رئیس ضابطه که مأمور حفظ راه‌ها و استرداد اموال غارت شده بود، می‌فرستاد اما وی توجهی به این احکام نمی‌کرد. با پیگیری‌هایی که از سوی کارپردازی ایران می‌شد بالاخره مأمورین اداره ضابطه دست به کار می‌شدند و برای تعقیب دزدان به صحرا می‌رفتند. یکی دو نفر را دستگیر و زندانی کرده، اما بعد از چند روزی آنها را رها می‌ساختند. در عراق عرب ادارات زیادی وجود داشت که اگر مأمورین هر اداره به نوعی تعدی می‌نمودند از طرف ایالت به آن اداره هشدار داده می‌شد و دستورات لازم ابلاغ می‌شد. اما این اظهارات ایالت در اداره ضابطه مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گرفت و دزدان نیز بدون ترس از حکومت به دزدی و غارت مشغول می‌شدند. (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵/۱۱۵-۱۱۴)

با این شرایط بود که کنسول ایران در بغداد طی نامه‌ای ضمن هشدار در مورد راه‌ها و اوضاع نابسامان عراق عرب از زوار می‌خواهد که فعلاً از سفر به این اماکن مقدس خودداری کنند تا شاید دولت عثمانی نظمی به راه‌های عراق عرب دهد. (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵/۱۱۵)

حمله و تجاوز یاغیان به زائران ایرانی در راه‌های فرعی به دلیل فقدان نیروهای پلیس عثمانی و خلوت و متروک بودن آنجا بیشتر مشهود بود. بنابراین کارگزاری ایران طی اعلامیه‌های مختلفی از زوار می‌خواست که از راه‌های عمومی عبور کنند اما ایرانی‌ها معمولاً به آن توجهی نکرده و همان راه‌ها را ترجیح می‌دادند. شاید به این دلیل که اطلاع رسانی درست و دقیقی در این باره صورت نمی‌گرفت و آنها از کم و کیف وقایع اطلاعی نداشتند (موجانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

- تفتیش و کتک زدن زوار

از دیگر سوء رفتارهای مأمورین این بود که به بهانه‌های مختلف، مثلاً سرایت بیماری و با، زوار را تفتیش کرده و به اقسام مختلف آزار و اذیت می‌نمودند؛ از جمله آنها را کتک زده و فحش می‌دادند. گاهی تحت الحفظ، مردها را به بغداد فرستاده و زن‌ها را از آنها جدا

می کردند و حتی دستور می دادند که زن ها نقاب خود را برداشته تا صورتشان را ببینند (گزیده اسناد، ۱۳۷۵: ۷/ ۳۹۷).

قرنطینه های پی در پی در مسیرهای منتهی به شهرهای زیارتی عراق، از جمله مهم ترین موارد تفتیش بود که زوار را بسیار آزرده خاطر و دچار مشکل می ساخت. توضیح اینکه، مشکل عمده دو دولت ایران و عثمانی در انتقال جناز به عتبات، جنبه های بهداشتی آن بود. کارگزاران عثمانی برای جلوگیری از شیوع بیماری های مسری، مانند وبا، طاعون و...، در خاک امپراطوریشان سیستم قرنطینه را در مرزهای ایران و عثمانی ایجاد کردند. کلیه زوار ایرانی بایستی چندین روز در این محل ها نگهداری می شدند. ضمن اینکه پزشکانی از سوی هر دو دولت برای انجام خدمات بهداشتی و معاینه تعیین می گردیدند. در قرنطینه به زوار لباس های مخصوص داده و لباس های خودشان را ضد عفونی می کردند و به مدت چند روز که معمولاً ۱۵ روز طول می کشید، به آنها اجازه خروج داده نمی شد. تنگی جا، عدم نظافت درست و طول مدت قرنطینه، از عواملی بود که اعتراض زوار و کارگزاران دولت ایران را در پی داشت. اگرچه بسیاری از سختگیری های اداری در پی بروز بیماری های مسری و در دوره های خاصی اعمال می شد، اما برخی رفتارهای تند و تعرضات، ربطی به دستورات اداری نداشت.

در نامه جمعی از اتباع ایرانی مقیم عتبات عالیات به مجلس شورای ملی، مشکلات زوار در قرنطینه ها، اعم از تعداد قرنطینه ها در طول مسیر، دریافت پول های بی حساب و آسیب زدن، کتک زدن و حتی قتل زوار به خوبی منعکس شده است:

... مگر به سمع مبارک نرسید که در ناخوشی پارسال در خاک عثمانی چه بر سر زوار بیچاره آوردند در خانقین قرنطینه در قزل آباد قرنطینه در شهریان قرنطینه در بغداد قرنطینه [...] در محمودیه قرنطینه [...] در کربلا قرنطینه در اثنای راه نجف قرنطینه در نجف اشرف قرنطینه مراجعت از نجف اشرف قرنطینه باز در کربلای معلی قرنطینه از کربلا تا کاظمین منزل بمنزل قرنطینه در کاظمین علیه السلام قرنطینه از کاظمین تا سرمن را قرنطینه مراجعت از سرمن را به کاظمین قرنطینه منزل قرنطینه از کاظمین علیه السلام تا به خانقین باز منزل بمنزل قرنطینه و در هر قرنطینه چند گونی پر از قران می شد که خرجی آن بیچاره ها بود. بسیاری از این بیچاره ها از بی خرجی و گرسنگی می مردند و بسیاری از آنها به ضرب گلوله مأمورین عثمانی کشته می شدند و بعضی را به زهر و دوا مقتول می ساختند تمام این قرنطینه ها و مردن و مقتول شدن و پول دادن که به سمع مبارک رسید همه مخصوص زوار بیچاره بیکس بی صاحب ایرانی بود نه برای رعایای

اجانب بود چنان معلوم می نمود که از روز ازل ایجاد و اختراع قرنینه مخصوص مخصوص عجم ها شد نه برای دیگران نم یدانیم این عجم ها چه کردند که باید به چنین عقوبت ها دچار شوند نمی دانیم [...] چه شدند ان شاهان عالی مقدار که از تمام سلاطین روی زمین باج می گرفتند چه شد که امروزه ما باید باج به شغال بدهیم ... (کمام، ۱۳۲۹ق، شناسه سند: ۴/۲۹/۱۶۰/۲) (پیوست، سند شماره ۱)

روزنامه حبل المتین در شماره ۴۴ خود به تاریخ ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۰ه.ق / ۹ سپتامبر ۱۹۰۲م، ضمن اشاره به اغتشاش هایی که در عراق عرب برای اتباع ایرانی بوجود آمده بود، از مأموران عثمانی یکی از قرنطینه ها که ده ها تن از زوار ایرانی را که با قایقی از کربلا عازم نجف بودند، کتک زده شکایت کرده و نوشته:

... جمعی از زوار که از برای زیارت مولود از کربلا به نجف مشرف شده بودند از نجف می آیند یک فرسخی نجف یعنی کوفه بلم^۳ ایشان به گل می نشیند از بلم بیرون آمده کنار شط راه می روند که بلم را از گل درآورند داکتر [دکتر] قرنطینه از دور ملتفت ایشان می شود خیال می کند که حاجند و از قرنطینه فرار کرده اند مأمور می فرستد ایشان را با ضرب شلاق می برد نزد مدیر بعد از تحاقیق که معلوم می شود این بیچاره ها از مجاورین کربلا می باشند یک یک را امر می کند [...] گرفته چوب زیاد بر کمرشان زده چند قران هم از اینان گرفته رها می کنند این چوب زدن معلوم نیست از راه عصبیت و عناد بود یا اینکه داکتر [دکتر] عداوت مذهبی داشته چرا همین قدر که ملتفت شد که ایشان ایرانی و مجاور کربلا هستند این جسارت کرده این هم یک بی حسابی این ملک است این ایرانی های بیچاره از هر طرف که سر بر آرند باید توسری بخورند و هیچ کس هم نمی گوید چرا مگر این بیچاره ها یهودی یا خارج از ملت اسلام هستند (روزنامه حبل المتین، ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۰: ص ۱۵).

آزار و اذیت های مأموران تنها متوجه زوار نبود، بلکه آنها از سر عناد، گاهی اوقات خشم خود را نسبت به جنازه هایی که به عتبات حمل می شد نیز بروز می دادند. پس از ورود اجساد، مأمورین میخ های آهنی در دست گرفته و جنازه را از تابوت و کفن بیرون آورده و به بهانه این که معلوم شود میت از بیماری های مسری یا عادی فوت کرده، میخ ها را بر آن فرو می کردند. بعد از آن اگر صاحب جسد حضور داشت وجهی اخذ می کردند و اجازه عبور می دادند، در غیر این صورت اجساد را به صورت دسته جمعی در گودالی ریخته و روی آن مقداری خاک می ریختند. بی احترامی و معاینه اجساد به شکلی نامناسب

زوار را بیش از هرچیز آزرده می‌ساخت و حتی اعتراض دولت ایران و علمای عتبات را به دنبال داشت. (فرهاد معتمد، بی‌تا: ۲/ ۶۹-۶۸؛ گزیده اسناد، ۱۳۶۹: ۵/ ۴۰).

اما کتک زدن، به قتل رساندن و به طور کلی هتک حرمت زائرین ایرانی تنها محدود به ایستگاه‌های بازرسی و قرنطینه‌ها نبود. گاه اتفاق می‌افتاد که مأمورین یا سربازان وابسته به دولت عثمانی در خود شهر بدون علت خاصی به زوار تعرض کنند. روزنامه حبل‌المتین در شماره ۲۱ خود گزارش داد که یکی از سربازان عثمانی در شهر کربلا در شب جمعه ششم ماه شوال سال ۱۳۱۹ ق/ ۱۶ ژانویه ۱۹۰۲ م، خود را به مستی زد و با خنجر به پنج‌الی شش نفر از زوار ایرانی حمله و آنها را مجروح ساخت. از جمله به سیدی از زوار خراسان که مشغول وضو گرفتن و عزیمت به حرم بود حمله کرده و با خنجر شکم وی را پاره کرد که سید پس از چند ساعت فوت نمود. پس ارتکاب به این جرائم سرانجام سرباز را دستگیر و حبس نمودند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۹: ۱۹-۲۰). روزنامه از نیت اصلی این سرباز گزارشی نیاورده، اما به نظر می‌رسد که سرباز بدون نیت شخصی و ظاهراً از روی تعصب دینی دست به این کار زده است. گرچه در پایان گزارش، علت همه مشکلات زوار، نمایندگان دولت ایران که از حفظ حقوق ملت خود ناتوان، عنوان شده است:

بلی این همه ذلت و خواری و اذیت و صدمه که در خارجه برعیای بخت برگشته ایران وارد می‌آید از سست عنصری [...] نمایندگان دولت ایران است و حفظ حقوق ملت از وظایف دولت است (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۹: ۲۰).

۴. بررسی علت تعدیات مأمورین عثمانی نسبت به زائرین ایرانی

پیش‌تر به تعدیات و سوءرفتارهای مأمورین عثمانی نسبت به زوار ایرانی اشاره گردید. این سوءرفتارها دلایل گوناگونی داشت که شاید تعصب مذهبی از مهم‌ترین آنها باشد. اما دلایل دیگری همچون کسب منافع مادی توسط دولت عثمانی، بی‌توجهی مقامات ایرانی به این تعدیات، همراه شدن مأمورین ایرانی با عثمانی‌ها نیز در این خصوص موثر بود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- تعصب مذهبی و ایرانی‌زدایی

با از میان رفتن سلسله صفوی، اقتدار سیاسی ایران شیعی مذهب در مقابل همسایه غربی سنی مذهب رو به افول نهاد. کوشش سلسله‌های بعدی نیز نتوانست میراث گذشته را احیا

کند. اگرچه نادرشاه افشار و کریم خان زند تلاش کردند با حضور در عتبات عالیات، زمینه پیوستگی سیاسی - فرهنگی میان این خطه و ایران را فراهم سازند، اما جنگ‌های داخلی و ناآرامی‌ها بیش از پیش آنان را به خود مشغول داشت و مانع تحقق این هدف شد. حکام و والیان عثمانی با تسلط بر امور عراق عرب در سال‌های پس از سقوط صفویه، تلاش کردند با ساده‌ترین روش و سیاست ممکن، حضور خود را منطقه تقویت کنند. به این صورت که تصمیم گرفتند نشانه‌های هویت و فرهنگ ایرانی که با تشیع آمیخته شده بود از آن منطقه پاک نموده و در اصطلاح ایرانی‌زدایی کنند (موجانی، ۱۳۸۹: ۹). ایجاد ممانعت بر سر راه انتقال سرمایه‌های ایرانی که به منظور عمران و آبادانی اماکن مقدسه در نظر گرفته شده بود، سختگیری با ایرانیان مقیم و تبدیل تابعیت آنها برای کاهش ثبت میزان جمعیت ایرانیان مقیم و فراهم کردن زمینه‌های کوچ یا نفی بلد آنها (اسناد مکمل قاجاریه، ۱۳۸۴: ۱۴۲/۱۶۵) در راستای همین هدف یعنی کاهش قدرت ایران در منطقه و ایرانی‌زدایی انجام گرفت. بنابراین جای تعجب نداشت که عثمانی‌ها با زوار ایرانی عتبات هم رفتار مناسبی نداشته باشند و از حضور آنها در منطقه خرسند نگردند. رفتار پزشک عثمانی در قرنطینه مسیر کربلا به نجف نسبت به زواری که نیاز به قرنطینه نداشتند و در قسمت مربوط ذکر آن رفت، نمونه‌ای از همین عناد و دشمنی و تعصب نسبت به ایرانیان بود. آن‌گونه که در اسناد منعکس شده است ایران نیز دیگر آن قدرت و اقتدار سابق را نداشت تا عثمانی‌ها از هیبت آن بترسند و در رفتار خود تجدید نظر کنند:

...این عجم‌ها چه کردند که باید به چنین عقوبت‌ها دچار شوند نمی‌دانیم، دولت و سلطنت شش هزار ساله ما چه شد نمی‌دانیم، مردان غیور به کجا رفتند نمی‌دانیم، شجاعان شیر صولت ما چه برسرشان آمد نمی‌دانیم، آن شیرمردان که شیر در بیشه از هیبت آنها زهرشان آب می‌شد [...] چه شدند، آن شاهان عالی‌مقدار که از تمام سلاطین روی زمین باج می‌گرفتند، چه شد که امروزه ما باید باج به شغال بدهیم. نمی‌دانیم این چه اتحاد بود که با عثمانی کردید و ما را دچار غم نمودید چرا ما را به عثمانی فروختید می‌خواستید به دیگر دولت بفروشید چرا باید عثمانی را بر خود جری گردانید که مانند سلطنت ما که تمام سلاطین روی زمین از هیبت آنها می‌ترسیدند و عثمانی امروزه به هیچ‌شمارد (کمام، ۱۳۲۹ق، شناسه سند: ۴/۲۹/۱۶۰/۲).

مأمورین دولت عثمانی بهانه خود برای اخذ مبالغی که پیش تر به آن اشاره شد را حفظ مسائل بهداشتی و امنیتی بیان می کردند، ولی در واقع به خاطر سود و منافع مادی بود که از این راه کسب می کردند. دولت عثمانی در برابر شکایات و اعتراضات دولت ایران، علت اخذ مالیات زیاد از جنائز و زوار را هزینه های زیاد ساخت و نگهداری ایستگاه های قرنطینه که در آنها پزشکان و دیگر کارکنان اداری و گمرکی کار می کنند و کسری بودجه دفترهای مرز ایران و ترک عنوان می کرد (فهد نفیسی، ۱۳۶۴: ۶۳).

بر اساس گزارش بخش «ترازنامه های آماری تعرفه های گمرک و بهداشت و درمان امپراطوری عثمانی» به طور متوسط شمار زائران از ۱۳۱۶ ه.ق ۱۸۹۸ م تا ۱۳۳۲ ه.ق ۱۹۰۴ م، ۴۸۶۷۲ و تعداد جنائز ۶۲۵۵ بوده است. مالیات ناشی از درآمد این سال ها آنقدر افزون بود که دولت عثمانی آن را به بخش های مختلف بودجه کل کشور، مانند بودجه بازنشستگی منتقل نمود (رحمانیان و شهسواری، ۱۳۹۱: ۱۵).

- سهل انگاری کارگزاران و مأموران ایرانی نسبت به تعدیات

کارگزاران ایرانی که برای مأموریت به شهرهای عراق عرب اعزام می شدند وظیفه داشتند به امور و شکایات اتباع و زوار ایرانی رسیدگی و در جهت رفع مشکلات آنان برآیند. اگرچه اسناد و گزارش های بسیاری از رسیدگی مأموران ایرانی به حال زوار و کوشش آنها در جهت رفع تعدیات عثمانی ها نسبت به زوار موجود است، اما طبق گزارش ها در بسیاری موارد نه تنها به شکایات و حال زوار رسیدگی نمی کردند بلکه خود به عاملی برای سخت گیری و آزار و اذیت به زوار تبدیل می شدند. در واقع، آنچه که عثمانی ها را در اعمال خود مصمم تر و جسورتر می ساخت، همین بی توجهی و سهل انگاری کارگزاران و مأموران حکومت ایران نسبت به امور و تعدیات وارده به زوار بود.

انتخاب مأموران فاقد صلاحیت برای انجام مأموریت در این مناطق نیز مزید بر علت می شد. این مأمورین که بنا بر برخی صلاح دیدهای شخصی و غیرمعمولانه انتخاب می شدند، به جای حل مشکل اتباع و زوار، خود به مسئله ای بحران زا تبدیل می گشتند. توضیح اینکه، گاهی از طرف وزارت خارجه، افرادی که وضعیت اقتصادی مناسبی نداشتند به این مأموریت انتخاب می شدند تا بتوانند درآمدی کسب کنند و به اصطلاح «لقمه نانی تحصیل نمایند» (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵/ ۲۸۰-۲۷۹). در این مناطق معمولاً حقوق و مستمری به آنها تعلق نمی گرفت و آنها مخارج خود را از زوار اخذ می کردند.

علاءالملک سفیر ایران در استامبول در نامه ای به وزارت خارجه از انتخاب رضا افندی منیف السلطنه به مأموریت بصره و حسین قلی خان حسام الوزاره به عماره شکایت کرده و نوشته که انتخاب مأمورین باید به نحوی باشد که خللی به شأن و آبروی ملت نرسد. به گفته او این اشخاص که «اکل میته را برای خود حلال می شمارند» پس از ورود به این مناطق که دارای مقرری دولتی نبود برای رفع آسودگی و گذرانیدن روزگار و تهیه پس اندازی به جان تبعه ایران افتاده و انواع تعدیات را نسبت به آنها اعمال می داشتند.

چنانکه حسام الوزاره که هنوز مأموریت او از باب عالی تصدیق نشده یکی را گرفته حبس کرد و محبوس تلگرافاً به سفارت کبری تظلم کرد، اگر در داخله در حق آنها رعایتی شود باز ضررش محدود است. جناب عالی که مدتی در این صفحات بوده اطلاع دارید که عماره جای دخلی نیست و کفایت یک نفر مأمور تنها را نخواهد کرد تا چه رسد که حسام الوزاره پانزده نفر زن و بچه را با خود به عماره برده نان بدهد، آیا ملاحظه فقر و فاقه حسام الوزاره اقدم است یا ملاحظه آبروی دولت و وزارت خارجه و سفارت کبری (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵ / ۲۸۰-۲۷۹).

گاهی با اینکه عدم صلاحیت شخص برای وزارتخانه محرز بود، باز به عنوان مأمور انتخاب می شد. به طور مثال انتخاب شخصی به عنوان عباس خان به وکالت کارپردازی خانقین، که پیش از این به دلیل اعتیادی که به قمار و مسکرات داشته از مأموریت برکنار شد. پیش از این حضور این شخص سبب اعتراض وزارت خارجه عثمانی گردید بود که در نامه ای به تاریخ ۵ ربیع الاول ۱۳۲۱ ه.ق / ۱ ژوئن ۱۹۰۳ م، خطاب به سفارت ایران در استانبول، خواستار لغو مأموریت وی گردیدند (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵ / ۳۷۴).

انتخاب مأمورین بی سواد و بی اطلاع از قانون هم مسئله ای بود که صدای زوار و اتباع ایرانی را در می آورد (کمام، ۱۳۲۹ق، شناسه سند: ۴/۲۹/۱۶۰/۲).

برخی مناطق گهگاه بدون مأمور می ماند و باعث می شد کارها به شدت آشفته شده و به مردم ظلم و ستم بی اندازه تحمیل شود. از اینرو زوار و علما و مجتهدین خود دست به کار شده و درخواست می کردند که مأموری به آنجا فرستاده شود. این مأمور که فاقد حقوق بود باز به مشکلی برای زوار تبدیل می شد. بنابراین نبود کارگزار با اعزام آن چندان تفاوتی از لحاظ رنج و مشقت دیدن زوار نداشت. چنانکه کنسول ایران در بغداد در نامه ای به وزارت خارجه نوشته است:

تمام زوار و جمعی از علمای عظام و مجتهدین گرام به فدوی تصریح و تأکید نموده‌اند مأموری فرستاده شود در واقع هم لازم است ولی عیب کار در اینجاست مأموری که آنجا می رود چون معاش دیوانی و مقرری و مرسومی ندارد لابد باید مخارج خود را از زوار بیچاره تحصیل کند، این هم سربار زوار خواهد شد. خالی از مأمور هم نمی توان گذاشت اغلب زوار از غایت تعدی و اجحافات متعصبانه خدام و مأمورین تذکره و دخانیه و غیره و غیره زیارت نکرده معاودت می کنند (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵/ ۱۱).

این شخص پیشنهاد کرده که برای مأمورین اعزامی به میزان پانزده تومان حقوق در نظر گرفته شود تا اینگونه تعدیات کمتر صورت گیرد.

البته گاهی در عدم موفقیت کارگزاران ایرانی، حکومت عثمانی مقصر بود. به این صورت که هنگامی که مأموری ایرانی برای مأموریت در خاک عثمانی انتخاب می شد، حکومت عثمانی موظف بود آن را بررسی و فرمان مأموریت آن شخص را صادر کند. اما گاهی در صدور فرمان اهمال می کرد. به این ترتیب مأموری که وارد شهر مورد نظر می شد به رسمیت شناخته نشده و نه تنها نمی توانست اقدامی انجام دهد بلکه به عاملی برای حقارت او تبدیل می شد (گزیده اسناد، ۱۳۷۰: ۵/ ۲۷۵).

نتیجه عدم وجود کارگزار یا انتخاب مأمورین بی کفایت و فاقد صلاحیت، افزایش تعدیات به زوار بود. در واقع اگر مأمورین ایرانی از یک سو مقتدرانه با سخت گیری ها و آزار و اذیت های عثمانی ها مقابله کرده و از حقوق اتباع و زوار خود دفاع می نمودند و از سوی دیگر خود به عاملی مشکل زا تبدیل نمی شدند، تعدیات مأمورین عثمانی نسبت به زوار به حداقل می رسید. روزنامه حبل المتین در تاریخ ۲۸ ذی قعدة ۱۳۲۹ه.ق/ ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱م، گزارش داده که چند ماه پیش از این تاریخ، یکی از سربازان عثمانی نسبت به فراشباشی کارگزاری ایران در کربلا بی احترامی نموده است. مأمورین عثمانی چون شکایت و مدعی جدی در بین نبود به طور ظاهری آن سرباز را دو روز در حبس نگه داشته سپس آزاد ساختند. این روزنامه به این عمل تاخته و عنوان کرده که «اگر کار گذار بغداد و کربلا آنوقت جلو اینگونه جسارتها را گرفته بودند امروز زوار ایرانی به این بی کسی و بیگناه» مورد تعرض عثمانی ها قرار نمی گرفتند (روزنامه حبل المتین، ۱۳۱۹: ۱۹).

تأسف بار تر اینکه گاهی مأمورین ایرانی با عثمانی ها همدست شده، زائرین را غارت کرده و پول های گزاف از آنها می گرفتند (گزیده اسناد، ۱۳۷۵: ۷/ ۴۰۹). مهم ترین عاملی که باعث اتفاق آنها با عثمانی ها می شد، نداشتن حقوق و مستمری از سوی دولت ایران بود

که آنها را وا می‌داشت با کمک عثمانی‌ها زوار را چپاول کنند. در نامه اهالی قصبه مندلیج به مجلس شورای ملی آمده:

... از تعدیات فوق الطاقه حکومت عثمانی بستوه آمده ایم به هر نوع و اقسام متفرقه پی در پی ظلم و تعدی می‌کنند و وجوهات بلاجهت به ضرب چماق دریافت می‌دارند مأمور رسمی از طرف دولت متبوعه خود نداریم اگر هم باشد آن هم بی سواد و بی اطلاع از قانون [...] از نداشتن مواجب با عثمانی‌ها اتفاق کرده و آنچه باید تصدی و اجحاف بکنند ... (کمام، ۱۳۲۹ق، شناسه سند: ۴/۲۹/۱۶۰/۲) (پیوست، سند شماره ۲).

گاه تعدیات مأمورین ایرانی در حق زوار آنقدر زیاد می‌شد که صدای اعتراض نمایندگان مجلس را نیز بلند می‌کرد و آنها را به واکنش وا می‌داشت (مذاکرات مجلس دوره دوم، جلسه ۱۱۳، ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۸: ۳۲۴). حکام و بیگ‌زادگان شهرها و روستاها نیز مشکلاتی برای زوار فراهم می‌کردند. در گزارش کارگزاری بانه به کارگزاری مرکزی آمده است که بیگ‌زادگان بانه هرطور مایل بودند با مردم رفتار می‌کردند.

آنها چند نفر آدم در عرض راه‌ها گذاشته اند از هر باری که به خاک ایران داخل یا از خاک ایران خارج می‌شود وجهی می‌گیرند و در ضمن هم مردم را لخت می‌کنند، مثل اینکه زوار عتبات عالیات که از این می‌آمدند قریب سی لیره وجه [...] گرفته اند (ساکما، ۱۳۲۱ق: ۲۹۰/۲۱۳۰) (پیوست، سند شماره ۳).

بنابراین جای شگفتی نبود که مأموران حکومت عثمانی به راحتی به زوار ایرانی انواع و اقسام تعدیات را روا دارند. دامنه تعدیات و سختگیری‌ها نسبت به زوار شیعی عتبات، گاه چنان بالا می‌گرفت که مقامات محلی و اعزامی دولت ایران به حاکمیت مرکزی پیشنهاد خردمندانه ای می‌کردند. چنانکه مکرر گفته می‌شد برای حفظ جان و مال زوار، ترتیبی اتخاذ شود تا مقصد زیارت زوار از عتبات عالیات، به مشهد یا قم تغییر یابد (استادوخ، ۱۳۱۹ق، کارتن ۶، پرونده ۱۵).

همچنین پیشنهاد می‌شد تا «حضرات آیات الله را هم باقامت یکی از اماکن متبرکه داخله ممالک محروسه ایران مانند مشهد مقدس و قم دعوت» (کمام، ۱۳۲۹ق، شناسه سند: ۴/۲۹/۱۶۰/۲) شوند.

- افزایش تعدیات بر اثر اقدامات زوار

اما در تعدیّات و اجحافات‌ی که به زوّار ایرانی می‌شد، همیشه عثمانی‌ها یا مأموران خودی مقصر نبودند. گاهی خود کارگزاران ایرانی و زوّار، زمینه این بدرفتاری و مشکلات را بوجود می‌آوردند. به عنوان نمونه، زوّار ایرانی گاهی با رفتار نامناسبی که از خود نشان می‌دادند باعث تحریک عثمانیان می‌شدند. بسیار اتفاق می‌افتاد که اشخاص «لخت و برهنه» با پای پیاده و گدایی، خود را به خاک عثمانی رسانده بودند و در آنجا با گدایی و ولگردی روزگار می‌گذراندند، اسباب شماتت، تمسخر، سرزنش و توهین دیگران می‌شدند. از این جهت بود که کنسولگری ایران در بغداد از وزارت داخله می‌خواهد که جلوی رفتن مردم بی بضاعت به عتبات را بگیرد (گزیده اسناد، ۱۳۷۵: ۷/۳۹۴).

گاهی نیز برخی مناسک و عبادات آنها باعث خشم عثمانیان می‌شد. در روز هفتم محرم ۱۳۱۸ق، قائم مقام ارکان حربیه اسعدبیک از بغداد گزارش داد که شیعیان تمثالی از عایشه، همسر پیامبر (ص)، درست کرده و در کوچه‌ها گردانیده‌اند. همچنین گزارش شده که شیعیان در ششم محرم ۱۳۱۸ق، در آرامگاه امام موسی کاظم (ع) در کاظمین به تحقیر و ارژان خلاف پیامبر اسلام (ص) پرداخته و به گفته قائم مقام حربیه بغداد: «قلوب مسلمین را داغدار کرده‌اند» (عربخانی، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

بر اساس آن چه گفته شد مشخص می‌گردد که مأمورین دولت عثمانی به دلیل تعصب نژادی و مذهبی، کسب منافع مادی و مالی، اقدامات نابجای برخی زوّار، اقدام به سخت‌گیری و تعرض به زوّار ایرانی می‌نمودند. ناتوانی مأمورین و کارگزاران ایرانی در دفاع از حقوق زوّار خود و یا همدست شدن مأمورین ایرانی با آنها، بر جسارت عثمانی‌ها می‌افزود. مأمورین عثمانی به طرق مختلف که شرح آن رفت اقدام به غارت اموال زوّار، تفتیش‌های مکرر، بی‌احترامی با زوّار و حتی به اجساد که برای دفن به عراق وارد می‌شد می‌نمودند و حتی از کتک زدن، زخمی کردن و قتل زوّار هم روی گردان نبودند.

اسناد دولت عثمانی با اشاره به سخت‌گیری‌های مأموران، سوءاستفاده‌های شخصی مأموران را نه تنها عامل مهمی در بحران مناسبات جاری میان دو کشور قلمداد کرده، بلکه رویه‌های نامطلوب در این زمینه را موجب افزایش بیماری‌ها و شیوع آنها دانسته است. چراکه به سبب سخت‌گیری‌های نابجای مأمورین و رفتار ناشایست آنها، بسیاری از کاروان‌های حامل جناز، از راه‌های غیرقانونی و قاچاق، اجساد مردگان خود را بلافاصله بعد از فوت به عتبات عالیات منتقل می‌کردند. در این اسناد حتی گاه بر ضرورت مجازات خاطیان تأکید شده است (موجانی، ۱۳۸۹: ۱۱).

۵. نتیجه‌گیری

افزایش اهمیت عتبات نزد ایرانیان و به دنبال آن زیارت عتبات عالیات توسط زائرین ایرانی، جابه‌جایی‌های جمعیتی زیادی را از خاک ایران به خاک عثمانی و به ویژه منطقه عراق سبب شد. در دوره تاریخی مورد بحث که دو طرف درگیر انقلاب مشروطه خود و بعد از آن جنگ جهانی اول شدند، این مسئله شکل دیگری به خود گرفت. چرا که التهابات درونی، بر سیاست هر دو کشور تأثیر گذاشت. به این صورت که دولت ایران را از رسیدگی به حال زوار خود بیشتر غافل کرد و عثمانیان را در تعدیات خود جسورتر ساخت.

مأموران عثمانی به دلیل تعصب مذهبی و هدفی که در پاکسازی عراق از عناصر و فرهنگ ایرانی داشتند، تلاش کردند با افزایش سخت‌گیری و فشار بر زوار ایرانی، مانع ورود آنها به منطقه عراق شوند. همچنین درآمدهای سرشاری که از غارت زوار بدست می‌آوردند عامل دیگری بود تا به آنها فشار آورده و به اقسام گوناگون همچون، مبلغ گمرک، هزینه عبور جنازه، اخذ پول در قرنطینه، آنها را چپاول کنند. برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود حتی از کتک زدن و کشتن زائرین هم روی گردان نبودند. آنچه آنها را در انجام اقدامات خود جسورتر می‌ساخت بی‌توجهی دولت ایران و کارگزاران و مأمورین آن نسبت به این تعدیات بود. بی‌سوادی، ناآگاهی و عدم صلاحیت مأمورین ایرانی مأمور در عراق و حتی همدست شدن آنها با مأمورین عثمانی در اذیت و آزار زوار، مزید بر علت گشته و عثمانیان را هرچه بیشتر گستاخ‌تر می‌ساخت. البته زوار ایرانی نیز گاه با اعمال خود، همچون بی‌احترامی به عقاید سنی مذهب، زمینه این تعدیات را فراهم می‌آوردند.

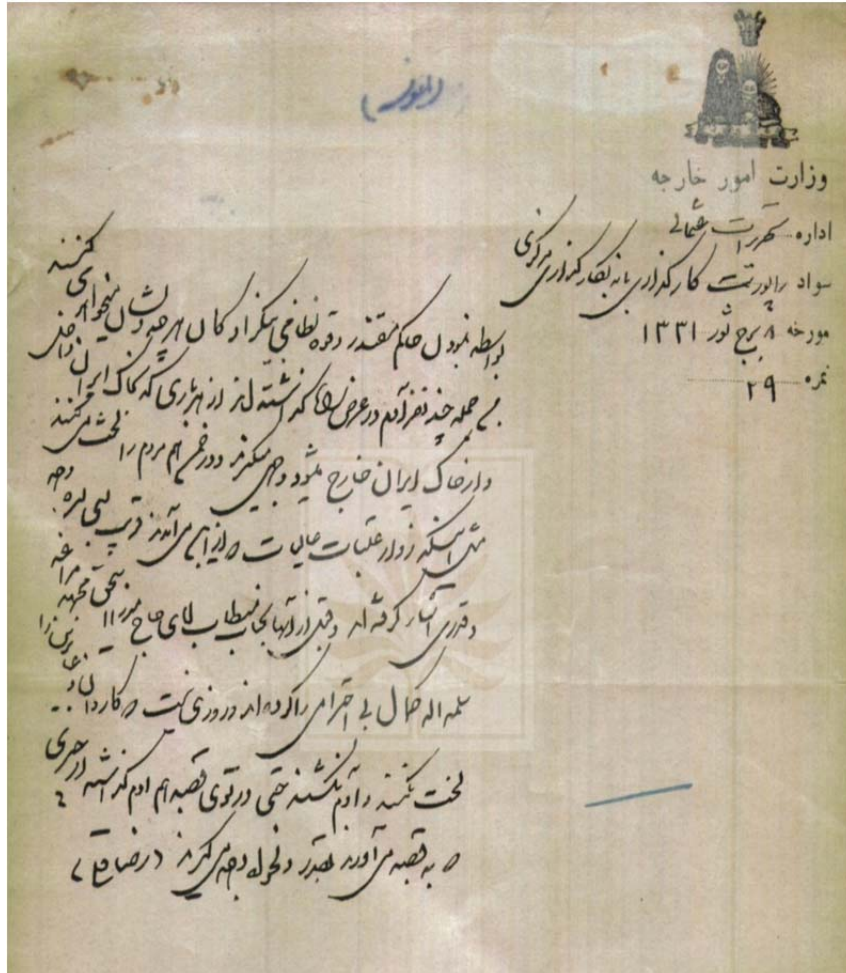
اگرچه دولت عثمانی درصدد بود مانع سوءاستفاده شخصی مأموران خود شود تا مناسبات جاری میان دو کشور بهم نخورد، اما تا پایان دوره مورد بحث، که همزمان با زوال قدرت قاجارها بود، این مسئله لاینحل باقی ماند و به دوره بعد انتقال یافت. دوره‌ای که شاهد شکل‌گیری کشور مستقل عراق و روی کار آمدن سلسله پهلوی هستیم.

۱۳۲۹
۹ ربیع‌الحمدر

بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الرحمن الرحیم

فدویان تبعه در ایران سال‌های سال است در قصه صلح مستمر لکن وقت هم در تعذبات
ظلمه فوق الطام حکمت عا بسته آمده هم به نفع و هم متهم بی بدی ظلم و تعدی مسکنند
و وجودات بد جهت تصرف حقا در یافت سیدان را نور کبر طرف است متهم جوز انیم
اکرام به انهم بی سواد ولی اطلاع از قانون ما و از ادب ما واجب با عا بنای اتفاق کرده و آنچه
باید تصرف و احمی و کتبه و قاطع می‌نویسد در این مورد سال اسوده لغوم در ما نوریت نای
میرزای خان هر الوزاره همان مهربان و مهربان با فدیوان دریم و با کمال قدرت از عا جملری
کرده کوه بریم نرسیدن برب از ما نوریت ضوا استغفار داده بعد از رفتن این الا حال با نور
فان ما سوار داریم و تعدیات زیاد بخود هر چه از فدیوان با جبار در دفتر عا بسته کرده از بیگانه
بعدی سر برند از حضور ما ک عموما استعدا دستم هم از عا نور و ظلم از فدیوان نور و مهر
نفرمانه بکار براریم هر سیدان در هر الوزاره ما نور بی سامان زید و یادم ما نور
و با سوار و با ظلم اعتراف نمود و اگر چاره نمود عا قاضی زیده و کتبه فراموش کرد عا کتبه

سند شماره ۲: نامه اهالی قصبه مندلیج به مجلس شورای ملی در مورد تعدیات حکومت عثمانی و همدستی مأمورین ایرانی با آنها



سند شماره ۳: شکایت از تعدیات بیگزادگان بانه نسبت به زوار

پی‌نوشت‌ها

۱. هر لیره عثمانی معادل چهار تومان و نه هزار عباسی است.
۲. یک فروش معادل ده شاهی و صد فروش معادل یک لیره.
۳. زورق کوچک، قایق کوچک، کرجی

کتابنامه

۱. اسناد

اسناد منتشر نشده

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۱۸ ه.ق، کارتن ۱، پرونده ۸.
- ، ۱۳۱۹ ه.ق، کارتن ۶، پرونده ۱۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): تعدیات بیک‌زادگان بانه به زائران، ۱۳۲۱ ه.ق، ۲۹۰/۲۱۳۰، ۷ برگ.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): سال ۱۳۲۹، شناسه سند: ۴/۲۹/۱۶۰/۲، ۶۱ برگ.

اسناد منتشر شده

- فهرست اسناد مکمل قاجاریه، (۱۳۸۴)، گردآورنده محمد حسن کاووسی عراقی، (ج ۱۴۲)، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، (۱۳۷۰)، به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی، ج ۵، تهران: اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ترجمه نامه وزیر خارجه دولت عثمانی به سفارت ایران در اسلامبول در مورد گمرکی که عثمانی‌ها از اسب و شتر زوار می‌گیرند، ۴ جمادی الاول ۱۳۱۹ ه.ق، شماره سند: ۸۵۴.
- نامه سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه در مورد گرفتن گمرکی از زوار ایرانی، ۱۵ شعبان ۱۳۲۰ ه.ق، شماره سند: ۸۶۴.
- نامه کنسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه در مورد گرفتن وجه برای دفن جنازه‌های زوار توسط عثمانی‌ها، ۱۴ شعبان ۱۳۲۱ ه.ق، شماره سند: ۸۷۱.
- گزارش نظام‌العلماء به وزارت خارجه در مورد تغییر کاربرد از بصره، ۱۳۱۹ ه.ق، شماره سند: ۸۵۸.
- نامه کنسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه در مورد قتل و غارت زوار و حجاج و نامنی در عراق عرب، ۷ شعبان ۱۳۲۱ ه.ق، شماره سند: ۸۷۰.
- سواد کاغذ وزارت خارجه به سفارت کبری در اسلامبول در مورد بدرفتاری مأمورین عثمانی با اتباع ایران، ۱۶ رمضان ۱۳۱۹ ه.ق، شماره سند: ۹۸۶.
- نامه علاءالملک سفیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه در مورد مأموریت منیف السلطنه و حسام‌الوزاره، ۲۸ ذیقعد ۱۳۱۶ ه.ق، شماره سند: ۹۱۱.
- نامه به دارالخلافه تهران در مورد ظلم مأمورین عثمانی به اتباع ایرانی، ۱۳۱۹ ه.ق، شماره سند: ۹۹۱.

مرتضی نورائی و مینا معینی ۲۲۱

- *گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی*، (۱۳۷۵)، به کوشش محمد حسن کاووسی عراقی، ج ۷، تهران: اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

نامه وزارت خارجه به ریاست وزراء درمورد به رسمیت شناختن حکومت حجاز، ۲۵ جوزا ۱۳۰۱ه.ش، شماره سند: ۱۳۹۳.

نامه کنسولگری ایران در بغداد به وزارت داخله درمورد جلوگیری از رفتن مردم بی بضاعت به حج، ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۹ه.ق، شماره سند: ۱۳۸۹.

- موجانی، سید علی، (۱۳۸۹)، *بازسازی تاریخ فراموش شده؛ عتبات عالیات: عراق، تهران: مجمع جهانی اهل بیت (ع)*.

- موجانی، سید علی، (۱۳۸۹)، *عتبات عالیات عرش درجات، تهران: مجمع جهانی اهل بیت (ع)*.

۲. کتب

بایندری، هانری، (۱۳۷۰). *سفرنامه بایندری*، ترجمه کرامت الله افسر، تهران: فرهنگسرا.

عیسوی، چارلز، (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

فراهانی، حسن، (۱۳۸۵). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

فرهاد معتمد، محمود، (بی تا). *تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*، جلد دوم، تهران: ابن سینا.

فهد نفیسی، عبدالله، (۱۳۶۴)، *نهیضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ترجمه کاظم چایچیان، تهران: امیرکبیر.

وقایع نگار کردستانی، (۱۲۸۴)، *جغرافیا و تاریخ کردستان، حدیقه ناصری و مرآت المظفر*، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران: توکی.

۳. مقالات

رحمانیان، داریوش و ثریا شهبواری (۱۳۹۱) «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار؛ مطالعه موردی: زوار و حمل جناز»، *مجله مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ*، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحه ۱ تا ۲۰.

عربخانی، رسول (۱۳۹۴) «تشیع ایرانی و تسنن عثمانی: پژوهشی درباره منازعات شیعی- سنی در عتبات عالیات قرن نوزدهم»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال بیست و پنجم، شماره ۲۶، صفحه ۱۲۳ تا ۱۴۱.

۴. روزنامه‌ها

روزنامه مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۱۱۳، ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۸.

روزنامه حبل المتین، سال نهم، شماره ۴۴، ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۰.

روزنامه حبل المتین، سال نهم، شماره ۲۱، ۲۸ ذیقعد ۱۳۱۹.